

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۸

بررسی تطبیقی ساختار و محتوای شش روایت منظوم از داستان «شست بستن دیو»

مسلم نادعلی زاده^۱، مهدی محمدی^۲

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۲)

چکیده

ترکیب عناصر فرهنگی ایران باستان با عقاید اسلامی، جلوه‌های متفاوتی در تاریخ تمدن ایران داشته است. هم‌گرایی میان مضامین ایرانی و مفاهیم اسلامی با غلبه جهان‌بینی اسلامی سبب پدید آمدن سبکی جدید از تولیدات اسلامی - ایرانی شده که هم انتقال‌دهنده فرهنگ باستانی است و هم اهداف اسلامی را برآورده می‌کند. یکی از این تولیدات، ماجرای «شست بستن دیو» است که در منظومه‌های دینی و به‌خصوص مجالس تعزیه حضوری برجسته داشته است. در این داستان، به‌وضوح التقاط مفهوم شر باستانی «دیو» در تقابل با قهرمان اسلامی یعنی امام علی^(ع) مشاهده می‌شود. تولیدکنندگان و پرورندگان داستان شست بستن، هم در صدد نمایش فضایل بی‌نظیر و برتری امام علی^(ع) نسبت به انبیا و صحابه هستند و هم مفهوم مذموم «شر» را در فرهنگ ایرانی و اسلامی در قالب «دیو» ارائه می‌دهند. متونی که از این داستان در دست است، مربوط به کمتر از پانصد سال اخیر است و زمان نگارش قدیم‌ترین مأخذ شناخته‌شده آن، سده نهم هجری است. در این پژوهش، محققان کوشیده‌اند تا با مقایسه شش روایت از داستان شست بستن دیو (دو منظومه و چهار مجلس تعزیه)، توصیفی از آن را در دو سطح محتوایی و ساختاری بررسی و نیز نقاط اشتراک و افتراق متون مورد نظر را تعیین کنند.

واژه‌های کلیدی: شست بستن دیو، ادبیات شیعی، منظومه‌های مذهبی، ادبیات عامه، اسطوره‌های دینی، تعزیه.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) (نویسنده مسئول)

*nadalizadeh@abu.ac.ir

۲. استادیار تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع).

۱. مقدمه

مفهوم دیو^۱ با تحولات معنایی عمیقی که در تاریخ ایران داشته، توانسته است جایگاه خود را در فرهنگ ایرانی - علی‌رغم تغییرات اجتماعی و فرهنگی - حفظ کند. از این منظر موجودی به نام دیو که نمادی از اهریمن یا یاور اهریمن است، در تاریخ ایران به شکل‌های گوناگون امتداد یافته و بازتولید شده است. پیشینه تاریخی آریاییان در ایران و هند، محققان را به این نتیجه رسانده که واژه «دِئَو» با ویژگی‌های خارق‌العاده آن در کنار ایزدان، وجه اشتراک آریاییان بوده است؛ اما با انشقاق میان آریاییان در ایران و هند، واژه‌های «اسورا»^۲ - اهورا^۳ و «دئو - دیو» معانی متضادی در میان دو ملت یافته‌اند.^۴ بدین ترتیب پس از این انشقاق و تحول شدید معنایی دیو در ایران، همواره این واژه معنی منفی و اهریمنی داشته است که گاه به غیر آریاییان فلات ایران^۵ و زمانی به مهرپرستان - در دوره رواج زرتشتی‌گری در دوره هخامنشیان - و در مقطعی نیز به هر کسی که رفتاری غیرمردمی داشته، گفته می‌شده است.^۶ از آن‌جا که واژه دیو در متون دینی، ادبی و اسطوره‌ای روایت‌شده، بیشتر با اغراق و جنبه‌های اساطیری همراه است، لذا محققان کوشیده‌اند تا در ورای بافت اسطوره‌ای این متون به تبیین تاریخی و بافت‌زایی برای آن‌ها بپردازند. با این حال آنچه برای دیو در فرهنگ ایرانی پایدار ماند، نمادی از بدی، اهریمن و شر است که البته رگه‌هایی از خوبی نیز یا در گذشته او می‌توان یافت (نظیر برخی کنش‌ها و سودهایی که به مردمان می‌رسانده است)^۷ یا در تغییر رفتار و مسلک خود در آینده. بدین ترتیب می‌توان دیو را سایه‌ای^۸ در کهن‌الگوی^۹ ایرانی دانست که با وجود خاستگاه آریایی خود، تنها به دوره غلبه ادیان آریایی در ایران محدود نمانده؛ بلکه در زمان غلبه دین سامی اسلام نیز بر این جغرافیا، مفهوم خاص و ویژگی‌های مفهومی خود را به دوره اسلامی نیز منتقل کرده است. از این روست که در متون ادبی دوره اسلامی - غیر از متون ادبی مربوط به دوره باستان مانند شاهنامه‌ها - و حتی متون دینی، جایگاه نمادین دیو را آشکارا مشاهده می‌کنیم.

علاوه بر داستان‌های ملی، حضور دیوها در داستان‌های دینی و مذهبی نیز جالب توجه است. در *خاوران‌نامه*، امیرالمؤمنین علی^(ع) با دیوان می‌جنگد و در *فارغ‌نامه*، حمزه حیدری راجی، نسخ تعزیه و دیگر آثار ادبی مذهبی، دیوان مسخر انبیا و ائمه^(ع)،

به‌خصوص امیرالمؤمنین^(ع) نشان داده می‌شوند. این گزارش‌ها می‌تواند ناشی از همسان‌انگاری دیوان و جنیان و بهره‌برداری از روایات منقول در منابع دینی، مبنی بر حضور جنیان در خدمت سلیمان نبی^(ع) و یا روایات تاریخی مربوط به جنگ امام علی^(ع) با کفار جن و تسلیم کردن آنان در مکان‌هایی همچون «بئر العَلَم» و ... باشد.

داستان شست‌بستن دیو ازجمله داستان‌هایی است که در بعضی آثار حماسی و نمایشی مذهبی گزارش شده است.^{۱۱} فارغ گیلانی در عصر صفویه و راجی کرمانی در عصر قاجار، آن را به شعر درآورده‌اند. در سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه و مقارن با افتتاح تکیه دولت در تهران (۱۲۹۰ق)، مجلس تعزیه «شست‌بستن دیو» از نخستین مجالسی است که به‌دلیل جاذبه‌های نمایشی فوق‌العاده آن، برای اجرا در این تکیه سروده می‌شود. البته حضور دیوان در مجالس تعزیه، به مجلس «شست‌بستن دیو» محدود نیست. علاوه بر مجالسی همچون مجلس تعزیه حضرت سلیمان نبی^(ع)، در بعضی مجالس داستانی و اساطیری نیز دیوان حضوری پررنگ دارند. از جمله این مجالس، می‌توان به «سلیمان و بلقیس»، «دشت ارژن»، «دو انگشتر، دو اهریمن»، «خاتم‌زدی»، «روزی که دیوها روسفید شدند» و ... اشاره کرد.

در مجموعه مجالس چروگی (۱۳۶۸)، پنج نسخه از مجلس شست‌بستن دیو به شماره‌های ۱۴، ۸۰، ۷۶۵، ۸۸۹ و ۹۲۱ موجود است.

شاعری به نام سید قاسم بلخابی (۱۳۸۹: ۱۰۷) نیز این واقعه را به شعر، ولی سست و ضعیف سروده است.

در این مقاله، داستان «شست‌بستن دیو» به نقل از دو منظومه مذهبی و چهار مجلس تعزیه به‌ترتیب در ادامه بررسی شده است:

الف) روایت اول با عنوان «دیو را بستن و گشادن شاه/ شاه مردان علی است رهبر راه» در *فارغ‌نامه* سروده فارغ گیلانی به سال ۱۰۰۰ق در ۱۳۴ بیت (نشانه اختصاری «ف»).

ب) روایت منظوم «آمدن دیو پُرخریو به‌سوی جناب نبوی و گشودن حیدر کرار به امر رسول کبار^(ص) دست اهریمن [را] به تقدیر ذوالمنن و ظهور معجزه آن سرور» در

کتاب *حملة حیدری اثر راجی کرمانی* (ح ۱۲۴۰ق) در ۱۰۰ بیت (نشانه اختصاری «ح»).

ج) مجلس تعزیه «شست‌بستن دیو» سروده میرزا محمدباقر معین‌البکا (۱۲۹۳ق)؛ نسخه خطی به شماره ۲۰۲۴۲ مجلس شورای اسلامی در ۱۴۵ بیت (نشانه اختصاری «م»). این مجلس تنها یک سال (۱۲۹۳ق) در تکیه دولت اجرا شد و میرزا باقر معین‌البکا از سال بعد، دستور داد تا مجلس سروده شاکر تفرشی در تکیه دولت اجرا شود.

د) مجلس تعزیه «شست‌بستن دیو» سروده میرزا بابانایب شاکر تفرشی (۱۲۹۴ق)؛ نسخه خطی به شماره ۲۰۲۴۱ مجلس شورای اسلامی در ۱۶۴ بیت و ۱۱ بیت پیش‌مجلس (نشانه اختصاری «ش»).

ه) مجلس تعزیه «شست‌بستن دیو» سروده شاعری نامعلوم (پیش از ۱۳۶۰ق)؛ نسخه خطی مربوط به شهرستان تفت در ۳۰۰ بیت (نشانه اختصاری «ت»). مجلس یادشده طولانی‌ترین مجلسی است که در این موضوع سروده شده و در مناطق مرکزی ایران به‌ویژه تفت اجرا می‌شده است.

و) مجلس تعزیه «شست‌بستن دیو» احتمالاً سروده رجای زفره‌ای (بی‌تا) در ۱۴۶ بیت (نشانه اختصاری «ر») که مربوط به بعضی مناطق اصفهان است.

مقایسه شش متن یادشده از نظر محتوا و ساختار خواهد بود. روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی است و مقایسه توصیفات برای مشخص شدن تفاوت‌هاست. در نهایت برای یافتن دلیل این تفاوت‌ها از روش تحلیل متن‌محور استفاده خواهد شد. در بررسی محتوای متون، به مسائلی همچون مکان حادثه، ویژگی‌های دیو و دلیل مجازات او، پیامبران و ویژگی‌های ایشان و صحابه و از منظر ادبی، به اوزان و تعداد ادبیات هر متن و نیز ساختار روایی داستان خواهیم پرداخت.

۲. تحلیل محتوایی

۲-۱. مکان حادثه

الغرض روزی از قضای خدا شور و غوغا به مکه شد پیدا

غلغلهٔ مرد و زن به مکه فتاد خلق رو جانب رسول نهاد
ای رسول خدا، علامت بین چه علامت؟ که یک قیامت بین!
بود پیش پیامبر انبوهی در برابر پدید شد کوهی

(گگ ۱۲۱-۱۲۲)

شروع داستان در *فارغ‌نامه* از مکه و ورود دیو است. پس از آن، دیو با بیان خاطرات خود داستان را روایت می‌کند. از این رو، در ابتدای داستان مخاطب به مکان واقعه آگاه می‌شود. در این نسخه، مکه شهری است که محل زندگی پیامبر^(ص) است و دیو در آن‌جا به خدمت ایشان می‌رسد. مطابق تاریخ، زمان حضور پیامبر^(ص) در مکه پیش از هجرت بوده و بدیهی است که این روایت نمی‌تواند ناظر به دوران پیش از هجرت باشد؛ زیرا توصیف مکانی که برای پیامبر^(ص) و موقعیت صحابه در شهر شده است، مشخصاً مربوط به دوران پیش از هجرت نیست. بعد از هجرت نیز پیامبر^(ص) زمان اندکی را در مکه حضور داشتند و در این مدت کوتاه، حضرت علی^(ع) کودکی شش‌ساله نبودند. حضور سلمان فارسی هم از دیگر نشانه‌های جعل در این روایت است؛ زیرا سلمان در مدینه اسلام آورده و دوران کودکی حضرت علی^(ع) را نیز درک نکرده است:

که عیان گشت ناگهان، سلمان بر سر دوش او شه مردان
شاه مردان چو مهر روزافروز بود شش ساله ظاهراً آن روز

(گ ۱۲۷)

در نسخهٔ معین‌البکا ابتدای داستان از محلی نامعلوم است که درگیری بین دیو و امام علی^(ع) که کودک است، پدید می‌آید. در پایان مجلس که دیو از همهٔ پیامبران ناامید شده است، با راهنمایی هاتف به مکه می‌رود. از این‌جا جغرافیای تعزیه مشخص می‌شود:

ایا دیو ستمگر، باش شاکر محمد در جهان گردید ظاهر
برو در مکه ای دیو پریشان محمد بهر دردِ توسست درمان

(گ ۵)

در نسخهٔ معین‌البکا مانند *فارغ‌نامه*، خلاصی دیو در مکه اتفاق می‌افتد؛ اما توصیفی که از گریز صحابه و پناه‌بردن به پیامبر^(ص) و حاضر نبودن مشرکان در شهر ارائه می‌شود، نشان می‌دهد که مکه با مدینه خلط شده است. در این روایت نیز امام علی^(ع)

کودکی است که بر دوش سلمان به حضور رسول خدا^(ص) می‌رسد. در مورد صحابه، نسخه معین البکا خلاف فارغ‌نامه از عمر و ابوبکر به صراحت نام می‌برد؛ حال آنکه در فارغ‌نامه از صحابه بدون نام بردن از شخصی خاص یاد می‌شود.

در نسخه «ش» هم داستان از شروع حادثه آغاز می‌شود. در این‌جا باز هم مکان مشخص نیست و تنها از شهر یاد شده است و شهر هم لقبی ندارد که بتوان آن را به مدینه‌النبی تفسیر کرد. صحابه نیز عنوانی است کلی برای یاران و اطرافیان پیامبر^(ص) بدون یاد کردن از نام ایشان:

صحابه

ایا رسول خدا از طریق مهر و وفا بکن تو چاره به درد صحابه ای مولا
به شهر آمده دیوی قوی کنون بی‌باک رسیده وقت که گردند اهل شهر هلاک

(گ ۷)

در منظومه حمائه حیدری اثر ملا بمانعلی راجی کرمانی، شروع داستان از زمانی است که دیو خدمت حضرت رسول^(ص) می‌رسد؛ اما سخن از شهر خاصی نیست. بیان نشستن پیامبر بر منبر نیز نمی‌تواند نشانه‌ای از مکه یا مدینه باشد؛ زیرا نشستن رسول خدا بر منبر در مکه پس از فتح این شهر، دور از ذهن نیست. ایستادن امام علی^(ع) در کنار پیامبر^(ص) به هنگام ورود دیو، نشان می‌دهد که در این متن، احتمالاً امام در سنین کودکی نیست.

یکی روز پیغمبر دادگر به خلوت نشسته بر اورنگ زر
علی ایستاده به نزدیک اوی به‌سوی خداوند بنمود روی
جلال جهان‌داور دادگر ز روی علی بر نبی جلوه‌گر

(راجی کرمانی، ۱۳۹۵: ۱۰۴)

که ناگه به سوی رسول مجید بیامد یکی دیو زشت پلید
بر و بازو و ساعدش پهلوی دو دستش فرو بسته در بر قوی

(همان‌جا)

مجلس منسوب به رجای زفره‌ای از آغاز نبرد امام با دیو آغاز می‌شود؛ ولی هنگامی که دوران پیامبر فرامی‌رسد، هاتف از مدینه و حکومت پیامبر^(ص) در آن سخن به میان می‌آورد:

هاتف:

الا ای دیو مردود جفا کیش شنو گویم کلامی از کم و بیش
نشسته مصطفی بر تخت شاهی به فرمانش همه از ماه و ماهی
برو اندر مدینه ای مکدر به نزد آن رسول حی داور

(گ ۱۳۲)

عجیب است که در این مجلس هم شاعر، امام علی^(ع) را هنگام ورود دیو به مدینه،
کودک دانسته است:

حضرت محمد^(ص):

از چه ای دیو، تو لرزان و هراسان گشتی؟ زیر منبر ز چه ای دیو، تو پنهان گشتی؟
در بر این همه خلق نترسیدی تو دیدی این طفل تو غمگین و هراسان گشتی!

(گ ۱۳۷)

۲-۲. صحابه

در این داستان، تصویری که از پیامبر^(ص) ارائه می شود، شکوه مند و شبیه به پادشاهان
است. تعدادی از صحابه نیز در این تعزیه حضور دارند که می توان به سادگی آن ها را به
صحابه مثبت مانند سلمان و صحابه منفی مانند خلفای سه گانه تقسیم کرد. البته در
برخی روایت ها نیز به عنوان کلی صحابه بسنده شده است. در متون متأخر به صراحت و
در مواردی با توهین از خلفا و برخی صحابه یاد می شود؛ اما در نخستین متون
شست بستن، توهینی صورت نمی گیرد.

در نسخه «م»، عمر خبررسان به پیامبر^(ص) است:

یا محمد! گذار مشکل شد نره دیوی به مکه داخل شد
هست دیوی به شکل و صورت پیل رنگ رخسار او کبود چو نیل

(گ ۵)

همچنین وی تلاش می کند تا با خنجر خود، بند از شست دیو بگشاید:

دیو! این ناله و فغان از چیست؟ گره دست تو که نقلی نیست
هین مرا تیغ آبداری هست تو بیا تا گشویمت^{۱۲} من دست

(گگ ۵-۶)

که مورد توییح و تحقیر خلیفه اول قرار می‌گیرد:

خوب گشتی تو شرمسار و خجل منفعل گشته‌ای ز خواهشِ دل
کارِ مرد است این، نه کارِ زن است پیشِ من آ که کار، دستِ من است

(گ ۶)

ابوبکر نیز مانند عمر از باز کردن بند دست دیو باز می‌ماند. پس از شکست ابوبکر در باز کردن شست‌های دیو، امام علی^(ع) وارد می‌شود. در این مجلس، غیر از خلفای اول و دوم، از سلمان نیز نام برده می‌شود که امام علی^(ع) را بر دوش دارد و وارد مسجد می‌شود. سلمان هیچ‌گاه ادعا نمی‌کند که می‌تواند شست دیو را باز کند و این امر شاید به سبب معرفت او نسبت به امام علی^(ع) است. در انتهای این مجلس، دیو به خلافت امام علی^(ع) پس از پیامبر^(ص) تصریح می‌کند:

هست احمد رسولِ خلقِ جهان تو امامی و هم خلیفه آن

(گ ۶)

در نسخه «ش» نیز تنها از عنوان کلی صحابه استفاده شده است که ورود دیو را به پیامبر^(ص) اطلاع می‌دهند. در این نسخه خبری از تلاش صحابه برای بازکردن بند نیست.

در نسخه «ت»، ابتدا بلال حبشی به فرمان رسول خدا اذان می‌گوید؛ سپس سلمان فارسی خبر ورود دیو را به پیامبر می‌رساند و از طرف پیامبر^(ص)، مأمور می‌شود تا امام علی^(ع) را بیاورد. سلمان در پایان این مجلس، سؤالاتی را در مورد شهادت کربلا از پیامبر می‌پرسد. در این نسخه، از خلیفه دوم هم نام برده می‌شود که برای بازکردن بند تلاش می‌کند؛ اما موفق نمی‌شود و برای همین، مورد تحقیر دیو قرار می‌گیرد و شرمسارانه در گوشه‌ای می‌نشیند.

در متن «ف»، سخنی از نام صحابه و حتی کلمه صحابه نیست؛ بلکه از افرادی یاد می‌شود که در مجلس رسول خدا حضور دارند و تلاش می‌کنند که دست دیو را بکشایند، ولی زمانی که عاجز می‌شوند، با تحقیر و تهدید دیو مواجه می‌شوند:

چون شنید این سخن، یکی برجست زود آمد به پیش دیو نشست
دست خنجر به لیف خرما برد زور بازوی خویش را افشرد
کرد هرچند حيله و تدبیر هیچ ظاهر نشد در او تغییر

آخر از فعل خود خجل گردید	عاجز و خوار و منفعل گردید
پس حسود دگر چو آمد پیش	آزمود او چو زور قوت خویش
کار او چون نیافت باز تمیز	منفعل شد ز فعل خود، او نیز
... دیو گفتا که یا رسول الله	کیست این مرد بوالعجب گمراه؟
این نبسته است دست من و الله	گر تو فرمان دهی به حقّ اله
یک لگد بر سرش زنم کز بیم	پیکر او رود به سوی جحیم

(گ ۱۲۷)

در متن «ح» نیز نام هیچ یک از صحابه نیامده است و کسی نیز تلاشی برای بازکردن شست‌های دیو نمی‌کند. به جای واژه صحابه هم از واژه «جمعیت» استفاده شده است. در نسخه «ر» به سلمان، ابوبکر، عمر و عثمان اشاره شده است. در این متن، سلمان به عنوان یکی از یاران باوفای امام علی^(ع) شناخته می‌شود:

شوق دیدار مصطفی دارم	ای تو سلمان، ایا وفادارم
همرم باش یک‌زمان سلمان	تا روم خدمت رسول جهان

(گ ۱۳۶)

وی همچنین ورود دیو را به پیامبر^(ص) خبر می‌دهد. عمر در این نسخه باز هم به عنوان کوشنده‌ای ناکام برای بازکردن شست دیو معرفی می‌شود و به همین علت، عثمان او را تحقیر می‌کند و چون عثمان نیز از این امر باز می‌ماند، کار را به ابوبکر می‌سپارد و تلاش او نیز فرجامی ندارد.

۳-۲. پیامبران و ویژگی‌های آنها

مفهومی به نام رسول یا پیامبر بیشتر در ادیان سامی به چشم می‌خورد و در ادیان آریایی، کمتر شخصی مانند زرتشت پیدا می‌شود که ارتباطی و حیانی با خدا داشته باشد. در متون تعزیه با وجودی که شخصیت اصلی داستان یعنی دیو، اسطوره‌ای از ادیان هندوایرانی است، رجوع وی در روند داستان و متناسب با گذر زمان به پیامبران سامی است؛ حال اینکه در متون باستانی ایرانی، سامیان نه تنها مردمی خوب شمرده نمی‌شوند، بلکه غالباً خود در قالب دیوها قرار می‌گیرند! در متن اسطوره‌ای داستان شست‌بستن، دیو دست کمک به پیامبران سامی از بنی اسرائیل و غیر آن دراز می‌کند و خبری از

قدیسان زرتشتی یا ایرانی نیست. با این حال گناه دیو و روند تحول آن با اسطوره‌های باستانی مانند «آز» تطبیق زیادی دارد. بدین ترتیب مجالس تعزیه «شست‌بستن» با حفظ محتوای باستانی، ترکیبی نو از مفاهیم اسلامی و ایرانی پدید آورده‌اند.

در نسخه «م» از سه پیامبر نام برده می‌شود: حضرت آدم^(ع)، حضرت سلیمان^(ع) و پیامبر اسلام^(ص). در این مجلس، هاتف به‌عنوان راوی به معرفی پیامبران می‌پردازد. از این رو، معرفی پیامبران به دو شکل صورت می‌گیرد: نخست به‌صورت مستقیم از زبان هاتف؛ دوم به‌صورت غیرمستقیم از توصیفات و کلماتی که در بیان پیامبران یا اطرافیان‌شان مشاهده می‌کنیم.

حضرت آدم^(ع) ابتدا به خلقت خود از خاک اشاره می‌کند و سپس به اظهار تواضع در برابر خدا می‌پردازد:

ستایش کنم ذات یزدان پاک مرا ساخت آدم ز یک مشت خاک
اگر چه به مخلوق، پیغمبرم به درگاهش از ذره‌ای کمترم

(گ ۲)

هاتف حضرت آدم^(ع) را به گونه‌ای معرفی می‌کند که وی نقطه عطف جهان است؛ از این رو دیو را دعوت می‌کند تا به نزد وی برود، زیرا حضرت آدم^(ع) حق پدری بر گردن انسان‌ها دارد:

نام او آدم ابوالبشر است به همه بندگان حق، پدر است

(گ ۳)

در این متن پس از حضرت آدم^(ع)، حضرت سلیمان^(ع) آمده است. وی با گروهی از خدم و حشم در تعزیه حضور دارد:

به فرمان من کرده‌ای در جهان ز وحش و ز دیو و هم از جیان
اگرچه بر افلاک ساید سرم به درگاهت از مور هم کمترم

(همان‌جا)

حضور آصف بن برخیا به‌عنوان وزیر، جایگاه شاهی را برای حضرت سلیمان بیشتر ملموس می‌کند. دیو نیز هنگامی که به خدمت آن حضرت می‌رسد، چنین می‌گوید:

رسول جهان‌آفرین، السلام شهنشاه روی زمین، السلام

(همان‌جا)

حضرت سلیمان^(ع) از بازکردن دست دیو عاجز می ماند؛ اما جبرئیل به او خبر می دهد که این ریسمان به دست امام علی^(ع) بسته شده است و به دست وی هم باید باز شود. از این جهت دیگر سخنی از سایر پیامبران به میان نمی آید و دیو به ناچار تا زمان پیامبر^(ص) صبر می کند؛ اما در قسمت دیگری بیان می کند که «شیت و نوح و خلیل با داوود/ سعی کردند هیچ یک نگشود» (همانجا). بدین ترتیب معلوم می شود که پیش از سلیمان، دیو نزد سایر پیامبران هم رفته است.

توصیفی که از پیامبر اکرم^(ص) ارائه می شود، توصیفی ساده است و البته تعبیر «شه دوران» جایگاهی شبیه پادشاهان را برای آن حضرت متصور می سازد؛ اما مدح امام علی^(ع) مفصل تر و با تلمیحات بیشتری صورت گرفته است.

در نسخه «ش» از هفت پیامبر نام برده شده است: آدم^(ع)، نوح^(ع)، سلیمان^(ع)، موسی^(ع)، عیسی^(ع) و پیامبر اسلام^(ص). از این جهت بر اساس زمان کیفی، ترتیب بهتری نسبت به متن «م» ارائه شده است؛ اما زمانی که دیو به خدمت پیامبر اسلام^(ص) می رسد، از تعداد بیشتری پیامبر نام می برد که در متن نمایش نیامده اند:

پس شدم پیش شیت و نوح و خلیل	با تمام پیامبران جلیل
لوط و یعقوب و یوسف و موسی	یونس ادریس و لوط، زکریا

(گ ۷)

در این مجلس هیچ مطلبی در مدح حضرت آدم^(ع) گفته نمی شود و تنها از سخن ملک برمی آید که وی به سبب تقدم در آفرینش، گزینه ای محتمل برای بازکردن شست دیو است. نوح نیز با عبارت «نوح توفان» توصیف شده است. در مورد حضرت سلیمان^(ع) عبارات پرطمطراقی آمده و وی صاحب خدم و حشم و سپاهیان جن و انس و حیوانات توصیف شده است. این امر علاوه بر جنبه های جذابی که برای مخاطب در آن زمان داشته، از منظر تصورات ذهنی تاریخی بعضی مردم ایران نیز - که گاه پیامبران را با پادشاهان مشابه می پنداشته اند - قابل بررسی است. در مورد پیامبران بنی اسرائیل ترتیب زمانی رعایت نشده است؛ زیرا دیو پس از ناامیدی از حضرت سلیمان، طبق دستور ملک به نزد حضرت موسی^(ع) می رود، در حالی که حضرت سلیمان بعد از حضرت موسی^(ع) به پیامبری مبعوث شده است. در این مجلس، حضرت عیسی^(ع)

شفادهنده دردها معرفی می‌شود؛ اما استفاده از واژه «دربار» که معمولاً یادآور محضر سلاطین و پادشاهان است، در مورد وی، عجیب به نظر می‌رسد و احتمال دارد که شاعر به تفسیر معنوی از این واژه نظر داشته است. تفاوت پیامبر اسلام با سایر پیامبران در این نسخه، بیشتر در آگاهی از احوال دیو قبل از آمدن وی و تأکید بر عالم بودن ایشان به غیب است. البته پیامبر^(ص) برای آگاهی مردم، سؤالاتی را از دیو می‌پرسد:

اگرچه دانم احوالت سراسر ولی برگو حکایت بر پیامبر

(همانجا)

در نسخه «ت» از حضرت آدم^(ع)، حضرت نوح^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت سلیمان^(ع) و پیامبر اسلام^(ص) نام برده شده است. برای حضرت آدم^(ع) توضیحاتی در مورد خلقت از گل آمده و صفت ابوالبشری به ایشان داده شده است. از این رو، آدم^(ع) و فرزندانش با افرادی که دیو در ابتدای روایت خورده است، باید تفاوت داشته باشند، هرچند شاعر آن‌ها را با نام آدمی‌زاده و پسرانش معرفی کرده است. بعد از آدم^(ع)، نوح^(ع) که با صفت «ناجی» معرفی می‌شود، نمی‌تواند به حل مشکل دیو کمکی کند. ابراهیم^(ع) نیز مانند نوح^(ع) تنها با صفت «خلیل» معرفی می‌شود. در مورد حضرت سلیمان^(ع) مانند نسخه «م»، توصیفات مفصل‌تر از خدم و حشم وی بیان شده است. علاوه بر این، وی به صورت هم‌زمان، واجد عناوین شاهی و پیامبری معرفی شده است:

بر سلیمان داد خالق، سروری هم شهنشاهی و هم پیغمبری

(دهقانان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

در این جا نیز جبرئیل سلیمان^(ع) را از سیر بستن شست دیو آگاه می‌کند. سلیمان^(ع) در مورد امام علی^(ع) و مظالمی که بر وی خواهد رفت، سؤالاتی را از جبرئیل می‌پرسد و سرانجام شیعه می‌شود. پس از سلیمان^(ع)، نوبت به پیامبر اسلام^(ص) می‌رسد که اگرچه برای ایشان، صفاتی مانند شهریار و شاه آورده شده، اما روند کلی توصیفات در مورد آن حضرت، ناظر به اشارات تاریخی است:

ای رسول مدنی، شاه سریر «لولاکی» راکب رفرف تازنده مُلکِ افلاک

(همان، ۱۸۸)

دیو در این نسخه هم از پیامبرانی سخن به میان می‌آورد که در متن، گفت‌وگویی به آن‌ها اختصاص داده نشده است:

دگر نوح و ادريس و هود و سليمان خلاصه يکايک جميع رسولان

(همان، ۱۸۹)

در متن «ف» که اختصار بیشتری نسبت به سایر متون دارد، توصیفات در مورد پیامبران، اندک است و به این پیامبران اشاره شده است: آدم^(ع)، شیث^(ع)، نوح^(ع)، خلیل^(ع)، داود^(ع)، سلیمان^(ع) و پیامبر اسلام^(ص).

در نسخه «ح» بدون یادکرد نام حضرت آدم^(ع) تنها از خلق خدا نام برده می‌شود: چنین تا برآمد بسی روزگار که دادار خلقی نمود آشکار

(راجی کرمانی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

در مورد سایر پیامبران هم این مبهم سخن گفتن تا حدی وجود دارد؛ به گونه‌ای که وقتی دیو نزد «خلق دگر» می‌رود و او نمی‌تواند شستش را بگشاید، به دیو خبر می‌دهد که «دست خدا» دستان وی را بسته و جز خود او، کسی دیگر نمی‌تواند دستان دیو را باز کند. در این متن، حضرت نوح^(ع) با عنوان «ناخدا» معرفی شده و نام پیامبران ذیل هم بدون توصیف خاصی، بیان شده است: «همیدون مسیح و کلیم و خلیل» (همان، ۱۰۶). در عین حال، پیامبر اسلام^(ص) «دانای کل» است که هم سرگذشت دیو را می‌داند و هم اسراری را از غیب در شأن حضرت علی^(ع) بیان می‌کند.

در نسخه «ر»، هاتف از زمان بازشدن دست دیو در زمان پیامبر اسلام^(ص) خبر می‌دهد. آدم^(ع) و سپس نوح^(ع)، سلیمان^(ع)، عیسی^(ع) و پیامبر اسلام^(ص) ظهور می‌کنند. سلیمان به عنوان شاهنشاه معرفی می‌شود و از گشایش بند به دست امام علی^(ع) خبر می‌دهد. او این خبر را خلاف بعضی متون دیگر از جبرئیل نمی‌شنود. پس از سلیمان^(ع)، عیسی^(ع) با مضامینی حاکی از مهربانی توصیف می‌شود:

رو نزد او که حل بکند مشکل تو را بگشاید او ز مهر، دو دست تو از وفا

(گ ۱۳۱)

نکته جالب در این متن، اشاره حضرت عیسی^(ع) به شخصیت‌های اسطوره‌ای است: که توانم من و گودرز و هم گيو (گ ۱۳۲)

۲-۴. ویژگی‌های دیو

در نسخه «م»، داستان با توصیف دیو از قدرت خود و شکار همه حیوانات و انسان‌ها آغاز می‌شود و هیچ سخنی از زمان زندگی وی به میان نمی‌آید:

... که ماهی ز دریا درآرم ز آب نمایم به خورشید او را کباب
گهی طعمه خود کنم بی‌درنگ ز جن و ز انس و ز شیر و پلنگ

(گ ۲)

امام علی^(ع) که در زمان قدرتمندی دیو، در سن طفولیت است، وی را بی‌حیا خطاب می‌کند (همان). صفت ظلم را نیز هاتف برای دیو به کار می‌برد:

به پاداش ظلم تو اینت سزاست که دستت گرفتار بندِ بلاست

(همان)

صفات و ویژگی‌های دیو در نسخه «م» به شرح ذیل است:

۱. عمر طولانی: مطابق این روایت، دیو پیش از ظهور حضرت آدم^(ع) زندگی می‌کرده است و این امر را می‌توان تأکیدی بر این اعتقاد شیعی دانست که امام علی^(ع) پیش از خلقت در جهان حضور داشته است.

۲. ظلم کردن: در این متن، بیشتر ظلم دیو برای کشتن و خوردن موجودات (خلق) ذکر شده است و اگرچه این امور در مورد حیوانات، ظلم به‌شمار نمی‌رود؛ ولی برای دیو، ظلم شمرده شده است. شاید جرم وی که سی هزار سال پیش از خلقت آدم^(ع) در زمین زندگی می‌کرده و امام علی^(ع) شست وی را بسته، برهم‌زدن نظم خلقت بوده، زیرا او هر «خلقی» را می‌خورده و لابد چنین اجازه‌ای نداشته است.

۳. مذکر بودن، بزرگ بودن: توصیف «نرّه دیو» می‌تواند هم به مذکر بودن دیو اشاره داشته باشد و هم به بزرگی و درستی وی:

نرّه دیوی به مکّه داخل شد ... (همان)

یا:

هست سی ذرع، دوش تا دوشش ... (همان)

۴. مشرک بودن: دیو در قسمتی که به توصیف امام علی^(ع) می‌پردازد، وی را دشمن

جان مشرکان می‌داند و از این رو، می‌توان یکی از ظلم‌های دیو را شرک دانست.^{۱۳}

۵. ترس از امام علی^(ع): وی پس از آنکه امام علی^(ع) را پس از هزاران سال در مکّه

می‌بیند، از ترس فرار می‌کند و زیر منبر پناه می‌گیرد.

در نسخه «ش»، دیو موجودی دانسته شده است که قبل از خلقت انسان وجود داشته و همه دنیا از او در آزار بوده‌اند و در آستانه خلقت انسان، امام علی^(ع) شست وی را می‌بندد تا شرایط برای خلقت انسان فراهم شود:

و آن‌گه برای راحت مردم، شه زمان... بر بست شست او به دو دست یداللهی
(گ ۱۰)

در این نسخه نیز دیو که یک بار «دد» و از بنی جان دانسته شده و سی هزار سال قبل از حضرت آدم^(ع) در زمین ظلم می‌کرده است، پس از باز شدن دستش به اسلام مشرف می‌شود.

ویژگی‌ها و صفات دیو در نسخه «ش» به شرح ذیل است:

۱. تکبر: در ابیات آغازین نسخه «ش»، از بی‌قیدی و سرمستی دیو و این نکته که او از هیچ چیز تبعیت نمی‌کند، سخن به میان آمده است. فرشته در این نسخه نیز بر غرور وی تأکید دارد.

۲. ظلم: در بیان دیو و ملک، ستم کردن بر هر موجودی (خلقان) به چشم می‌خورد. دیو دریدن موجودات را از اعمال خود می‌داند.

۳. پس از اندرزه‌های ملک، دیو به صراحت از شناخت خدا سر باز می‌زند.

۴. استیصال: در نسخه «ش» هرگاه دیو نزد پیامبران می‌رود و آن‌ها نمی‌توانند بند وی را بکشایند، بیشتر مستأصل و ناامیدی در اشعار وی بیشتر دیده می‌شود. نسخه «ت» اگرچه با گرفتن و خوردن آدمی زادگان آغاز می‌شود؛ اما روند داستان مشخص می‌کند که مقتولان قبل از خلقت حضرت آدم^(ع) زندگی می‌کرده و شاید نوعی دیگر از انسان‌ها بوده‌اند.

ویژگی‌ها و صفات دیو در نسخه «ت» به شرح ذیل است:

۱. کین^{۱۴}: در نسخه «ت»، دیو هدف خود را از کشتن نوجوان، کینه بیان می‌کند!
۲. خداپرست بودن: دیو در این نسخه، گاه از خدا و حق یاد می‌کند و معتقد است افرادی که شکار او شده‌اند، حق روزی وی کرده است. با این وجود، شکارشدگان، او را کافر می‌دانند.^{۱۵}

۳. زندگی در میان انسان‌ها: در آغاز این نسخه، فرار دو نوجوان از دست دیو به تصویر کشیده می‌شود و با دعای «آدمی‌زاد»، امام علی^(ع) برای تنبیه دیو حاضر می‌شود؛ اما پس از درگیری و بسته‌شدن شست دیو، هاتف به او بشارت می‌دهد که آدم^(ع) ظهور کرده است.

۴. اهریمن: این صفت شناخته‌شده را برای دیو، هاتف در این متن به کار می‌برد.

اهرم، چشم تو روشن باد و دل (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۹۴)

۵. وقتی شست دیو به دست امام علی^(ع) باز می‌شود، وی اسلام می‌آورد و شیعه می‌شود.

در نسخه «ف» همچون بعضی دیگر از نسخ، بر زندگی دیو در سی‌هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم^(ع)، تأکید شده است:

تا پس از سی‌هزار سال، آدم آمد از صنع حق در این عالم
(گ ۱۲۴)

ویژگی‌ها و صفات دیو در نسخه «ف» به شرح ذیل است:

۱. اسراف، آزار و بی‌رحمی:

کار من بود جانور کشتن بیست را کشتن و یکی خوردن
(گ ۱۲۳)

۲. غضب: غضب یکی از دیوهای دوران باستان است.

در زمان رو به سویش آوردم وز غضب قصد کشتنش کردم

(گ ۱۲۴)

۳. مسلمان شدن: دیو سرانجام به دست پیامبر^(ص) مسلمان، شیعه و غلام امام علی^(ع) می‌شود.

در نسخه «ح»، تصویرسازی و استفاده از واژگانی که به دوران پیش از آدم^(ع) مربوط می‌شود، دقیق‌تر از دیگر متون است؛ زیرا بدون اشاره به انسان، تنها از آفریدگان یاد می‌شود. از نظر زمانی نیز، دیو ادعا می‌کند:

که من پیش از آدم به سیصد هزار
نه آب و نه آتش پدیدار بود
شمردم همی سال در روزگار
جهانی نبود و جهان‌دار بود

(راجی کرمانی، ۱۳۹۵: ۱۰۴)

بررسی تطبیقی ساختار و محتوای شش روایت... مسلم نادعلی زاده و همکار

در این نسخه تمام ظلم دیو متوجه حیوانات است و امام علی^(ع) برای حفاظت از آنها، وی را سیلی زده و دستش را بسته است. در این متن، ترس دیو از امام علی^(ع) زیاده‌تر از سایر متون توصیف شده، به گونه‌ای که وی با دیدن امام علی^(ع) بیهوش می‌شود.

در متن «ر» نیز دیو سی هزار سال پیش از حضرت آدم^(ع) حضور داشته و بزرگ‌ترین گناه او که به مجازاتش به دست امام علی^(ع) منجر می‌شود، تکبر وی در برابر خداوند است؛ اما زمانی که او نزد پیامبر می‌آید، این گونه از گناهان خود یاد می‌کند:

ای ختم انبیا، چگونه کنم بر تو شرح حال
من پیش آدم آمده بودم هزار سال
اندر زمانه باعث هر فتنه می‌شدم
هر روز بوده با همه‌ام فتنه و جدال
رفتم که تا اذیت و آزار او کنم
او سوی من دوید دلیرانه در جدال ...

(گ ۱۳۴)

سرانجام امام علی^(ع) - که وی را در ابتدا با صفت کافر مجازات کرده بود - دست دیو را باز می‌کند، مشروط به آنکه دیگر خلق را اذیت نکند و دیو هم مسلمان می‌شود. در این متن رفتار پیامبر نسبت به دیو، لطیف‌تر از سایر متون است:

مر علیک ای دیو از روی ادب
کی چنین شست تو بسته از عقب؟

(گ ۱۳۳)

۳. بررسی‌های ساختاری

۳-۱. ساختار داستانی

داستان شست‌بستن دیو از لحاظ ساختار داستانی و عناصر داستان، ویژگی‌های کم‌نظیری دارد. این داستان را می‌توانیم به سه بخش تقسیم کنیم: شروع داستان که با به تصویر کشیدن ستمگری‌ها و سرکشی‌های دیو همراه است و با بسته‌شدن شست‌های او به دست حضرت علی^(ع) خاتمه می‌یابد. پس از این مرحله که به زیبایی گره‌افکنی - به عنوان یکی از عناصر داستان - با گره‌خوردن دست دیو یکی شده است، وارد بخش میانه داستان می‌شویم. در این بخش، دیو برای حل مشکل خود به نوبت به سراغ انبیای الهی می‌رود که در پی هم مبعوث می‌شوند. این وضعیت که تعلیق نام دارد، گزارش امیدواری‌ها و ناامیدی‌های دیو به صورتی متناوب است. او با ظهور هر پیامبر، برای حل

مشکل خود به نزد وی می‌شتابد؛ ولی هر بار ناامید بر می‌گردد (کشمکش). اوج داستان زمانی است که دیو پس از اطلاع از بعثت پیامبر خاتم^(ص) به آن حضرت مراجعه می‌کند و با امام علی^(ع) روبه‌رو می‌شود. این جاست که پس از مشخص شدن برتری امام علی^(ع) بر انبیا و صحابه رسول خدا^(ص)، شست‌های دیو پس از هزاران سال به امر پیامبر خاتم^(ص) و به دست امام علی^(ع) باز می‌شود و «گره‌گشایی» - به عنوان یکی از عناصر داستان - به بهترین شکل در مقابل دیدگان مخاطب به نمایش درمی‌آید و داستان پایان می‌یابد. درون‌مایه داستان، اثبات فضیلت امام علی^(ع) بر انبیا و صحابه رسول خداست. مطابق این روایت، آن حضرت هزاران سال پیش از خلقت آدم حضور و بر سایر مخلوقات، تسلط داشته است. بنابراین قهرمان داستان، امام علی^(ع) و ضد قهرمان، دیو است که وقتی قصد کشتن و خوردن آن حضرت را می‌کند، به عقوبتی سخت (بسته شدن شست‌هایش برای هزاران سال) دچار می‌شود. در این داستان، شاهد انواع کشمکش‌ها هستیم؛ دیو با طبیعت، ماوراء طبیعت (خداوند)، جامعه و قهرمان داستان (امام علی^(ع)) می‌ستیزد و پس از عقوبت شدن نیز با خود کلنجار می‌رود و خود را سرزنش می‌کند. شخصیت‌پردازی دیو و دیگر شخصیت‌ها به‌خوبی صورت گرفته است. شخصیت هر یک از افراد داستان، یا به‌وسیله خود او و یا بر اساس تعریف و اظهارنظر دیگران تبیین می‌شود. شخصیت امام علی^(ع) در تمام داستان، ایستاست؛ ولی شخصیت دیو متغیر است و پس از عقوبت، اصلاح می‌شود، لذا شخصیتی پویاست. زمان داستان خطی است و بازه‌ای چند ده‌هزار ساله را در بر می‌گیرد. اگرچه مکان زندگی دیو بر روی زمین مشخص نیست، درنهایت او را در مکه می‌بینیم. لحن دیو که در آغاز، متکبرانه و ستیزه‌جویانه است، به‌تدریج حقیرانه و ملتمسانه می‌شود. استفاده از قالب تعزیه برای نمایش این داستان که جلوه‌های اساطیری و تاریخی دارد، انتخابی هوشمندانه بوده است؛ زیرا نمایش معارف اعتقادی و کرامات اولیای دین به‌صورتی عینی و قابل مشاهده برای مخاطب عام، آن‌ها را باورپذیرتر می‌کند. تنها در این صورت است که تناقضات موجود در روایت، دیده نمی‌شود و یا قابل اغماض تلقی می‌شود.

۲-۳. وزن ابیات

متن نسخه «ف» تماماً در قالب مثنوی و در بحر خفیف سروده شده است و ۱۳۴ بیت دارد؛ اما متن «ح» مثنوی حماسی است و در یک‌صد بیت به بحر متقارب سروده شده است. تعداد بحور استفاده‌شده در چهار متن دیگر و تعداد ابیاتی که در هر بحر سروده شده، به شرح ذیل است:

جدول ۱: مقایسهٔ بحور استفاده‌شده در مجالس شست‌بستن دیو

نام بحر / نسخه	نسخه «م» (تعداد ابیات)	نسخه «ش» (تعداد ابیات)	نسخه «ت» (تعداد ابیات)	نسخه «ر» (تعداد ابیات)	جمع
مقارب مثنی سالم			۶		۶
مقارب مثنی محذوف	۴۰	۴	۳۴	۸	۸۶
خفیف مسدس مخبون محذوف	۸۰	۲۵	۱۳	۱۸	۱۳۶
هزج مسدس محذوف	۲۳	۹۹	۴۹	۵۵	۲۲۶
هزج مثنی سالم			۶		۶
هزج مثنی اخر مکفوف محبوب			۸		۸
هزج مثنی اخر مکفوف محذوف			۲	۳	۵
مضارع مثنی	۲	۱۱	۲	۱۷	۳۲

					اخر ب مکفوف محذوف
۱۰۲	۱۸	۸۲	۲		رمل مسدس محذوف
۸۰	۱۳	۳۸	۲۹		مجتث مثنی مخبون محذوف
۲۷	۴	۱۸	۵		رمل مثنی مخبون محذوف
۸		۸			رمل مسدس مخبون محذوف
۲	۲				منسرح مثنی مطوی منحور
۲		۲			کامل
۱۵		۱۵			هزج مسدس اخر ب مقبوض محذوف
۲۵	۸	۱۷			رمل مثنی محذوف
۷۶۶	۱۴۶	۳۰۰	۱۷۵	۱۴۵	جمع

بدین ترتیب مشخص شد که نسخه «ت» از نظر تنوع اوزان عروضی نسبت به سایر نسخ، ممتاز است. در این نسخه از پانزده بحر عروضی استفاده شده، در حالی که در نسخه‌های «م»، «ش» و «ر» به ترتیب از چهار، هفت و ده بحر عروضی بهره گرفته شده است. همچنین اوزان زیر، به ترتیب بیشترین ابیات نسخه‌های مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند:

- الف) هزج مسدس محذوف با ۲۲۶ بیت.
- ب) خفیف مسدس مخبون محذوف با ۱۳۴ بیت. جالب است که نسخه «ف» نیز در این وزن سروده شده است.
- ج) رمل مسدس محذوف با ۱۰۴ بیت.
- د) مقارب مثنی محذوف با ۹۰ بیت. نسخه «ح» نیز در یکصد بیت به این وزن سروده شده است.

۴. نتیجه

حکایت دیوها به مثابه نمادی از نیروهای ماورائی، بازمانده از روزگاران کهن به روایات دوران اسلامی نیز راه یافته است. در این روایات، دیوها نماد شر و ستمگری هستند و طبیعتاً با نیروهای خیر، سرستیز دارند. روایت‌های بررسی شده از داستان «شست بستن دیو»، روند مشترکی را از گناه دیو و مجازات شدنش به دست امام علی^(ع) تا سرگردانی در تاریخ و مراجعه به انبیا و بازکردن گره به دست امام علی^(ع) دنبال می‌کند. درباره مکان حادثه، اشتراک متون (به غیر از یک نسخه) بر مکه بوده که با واقعیت تاریخی - دوره ظهور و غربت اسلام تا سال سیزدهم بعثت - سازگار نیست. در مورد حضور صحابه نیز اجماعی بین متون نیست؛ اما در یک دسته‌بندی کلی، آن‌ها را می‌توان به صحابه خوب (مثبت) و صحابه بد (منفی) تقسیم کرد. به نظر می‌رسد اختلاف در نام بردن از صحابه، تابعی از شرایط اجتماعی سرایندگان باشد؛ زیرا متون متأخر، بیشتر این تقسیم‌بندی «خوب و بد» را رعایت کرده‌اند. سرگشتگی دیو پس از بسته شدن شستش و نیز مراجعه او به پیامبران برای علاج خود، مورد اتفاق متون است؛ اما در مورد تعداد پیامبرانی که به آن‌ها مراجعه شده، ترتیب آن‌ها و توصیفی که از آن‌ها ارائه شده است، یک‌دستی وجود ندارد. همچنین گناه، سرگردانی، استیصال و نجات یافتن به دست امیرالمؤمنین^(ع)، ویژگی مشترک دیگر بین متون است؛ اما در نوع گناه، زمان زندگی، شدت درماندگی و عاقبت دیو، روایات متون با هم تا حدودی متفاوت است. با این حال آنچه در این متون جلب نظر می‌کند، مفهوم باستانی دیو در کنار عناصر سامی است که ترکیبی منسجم از خیر و شر را به وجود آورده است و با غلبه خیر تمام

می‌شود. شر بودن دیو همچنان که در ادیان باستانی ایران وجود داشته است، در این متون با گناهان مشترک بین اسلام و ادیان باستانی مانند اسراف، قتل، غضب، شرک و... خود را نشان می‌دهد. از این رو، ترکیب محتوایی منسجمی از ترکیب عناصر اسطوره‌ای ایرانی و سامی پدید آمده است که هم اهداف اسلامی مؤلفان را در نشان دادن منزلت امام علی^(ع) نشان می‌دهد و هم میراث باستانی ایرانی را به آیندگان منتقل می‌کند.

به نظر می‌رسد که خالقان «شست‌بستن دیو» در پی بیان مناقبی از مولا علی^(ع) بر اساس معارف دینی به شکل داستان یا نمایش منظوم مذهبی (تعزیه) بوده‌اند؛ از جمله:

- سلطه امیرالمؤمنین^(ع) بر کائنات و مخلوقات به اذن پروردگار.

- خلقت امام علی^(ع) هزاران سال پیش از آفرینش حضرت آدم^(ع).

- برتری امیرالمؤمنین^(ع) بر همه انبیا به جز حضرت خاتم النبیین^(ص).

- برتری امیرالمؤمنین^(ع) بر سایر صحابه رسول اکرم^(ص).

- اسلام آوردن دیوان (جنیان) به دست امام علی^(ع).

به نظر می‌رسد ورود داستان‌هایی با محوریت شخصیت‌های اسطوره‌ای به متون دینی، متأثر از ادبیات حماسی و عرفانی بوده است. در ادب حماسی، قهرمانان به رویارویی با دیو و اژدها و نظایر آن می‌پردازند و بر آن‌ها غلبه می‌کنند. در ادبیات عرفانی نیز، کراماتی خارق‌العاده به مشایخ صوفیه نسبت داده می‌شود. با فراگیر شدن ادبیات حماسی و عرفانی فارسی و اقبال مردم به این انواع ادبی، دین‌داران چنین اندیشیدند که برای عقب‌نماندن از قافله اسطوره‌سازی و کرامت‌پردازی، باید داستان‌هایی شگفت بسازند و به اولیای دین به خصوص امیرالمؤمنین^(ع) نسبت دهند. به همین علت، با فروکش کردن تب‌وتاب‌های ناشی از حمله مغول و فراهم شدن زمینه آزادی نسبی برای مذهب شیعه، شیعیان منظومه‌ها و آثار فراوانی را پدید آوردند که در آن‌ها حضرت علی^(ع) به عنوان نماد قدرت و شجاعت با دیوها و موجودات خارق‌العاده (مصادیق شر در عالم) می‌ستیزد و آنان را مجازات می‌کند.

پیداست که داستان‌های مذهبی - اساطیری زمانی باورپذیرتر می‌شوند که در قالب منظومه‌های حماسی یا نمایش‌های مذهبی (تعزیه) برای مخاطبان، عینیت یابند؛ لذا چنانکه در داستان «شست‌بستن دیو»، به عینه قابل مشاهده است، شاعران و تعزیه‌سازان

بررسی تطبیقی ساختار و محتوای شش روایت... مسلم نادعلی زاده و همکار

شیعه با استفاده از هنر خود در بهره‌گیری از ظرفیت‌های شعر و نمایش، داستانی ساختگی را در باور مخاطبان خود پذیرفتنی می‌کند و در میان این داستان جذاب و سرگرم‌کننده، اعتقادات صحیح شیعه را در مورد ائمه^(ع) تعلیم و ترویج می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

1. DAIVA
2. DAEVA
3. ASURA
4. AHURA

۵. برای مثال می‌توان به تغییر مفهوم اندر یا ایندرا در فرهنگ ایرانی و هندی اشاره کرد. برای اطلاع بیشتر رک:

- Herrenschmidt, C. & J. Kellens (1993). "Daiva". *Encyclopaedia Iranica*. 6. Costa Mesa: Mazda. pp. 599–602
6. Kellens, J. & E. Pirart (1988). *Les textes vieil-avestiques I*. Wiesbaden. pp. 30-32, 133-40

۷. تو مر دیو را مردم بد شناس کسی کو ندارد ز یزدان سپاس
هرآنکو گذشت از ره مردمی ز دیوان شمر، مشمرش آدمی

(فردوسی، ۱۳۷۹: ۴۳۲)

۸. مانند کارهای مهندسی و ساخت‌وساز که در دوره جمشید و به فرمان وی انجام می‌دادند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۷۹: ۱/۱۳).

9. Shadow
10. Archetype

۱۱. قدیم‌ترین منبع موجود برای این داستان، شعری است در جنگ علی بن احمد مربوط به قرن نهم و سپس گزارشی که به صورت منشور در کتاب *تحفه المجالس* (قرن دهم) تألیف سلطان محمد استرآبادی (۸۹۵-۹۵۲ق) آمده است.

۱۲. «گشایمت» صحیح است؛ ولی در نسخه «گشویمت» آمده است.

۱۳. قرآن کریم نیز شرک را ظلمی بزرگ می‌داند: *إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ* (لقمان / ۱۳).

۱۴. گناهان دیو در نسخه «ت» در زیرمجموعه کین شامل خون‌ریختن، کشتن، آواره کردن از خانه و خوردن معرفی شده است. دو نفری که در نسخه «ت» به دست دیو می‌افتند، نوجوانند، لذا این امر (کشتن نوجوانان) را نیز می‌توان به جرایم دیو اضافه کرد.

۱۵. بس اذیت بنموده است به ما این کافر.

منابع

- بلخابی، سید قاسم (۱۳۸۹). دیوان / شعار. به اهتمام سید مهدی طیبی و سید محمد عالم‌زاده. قم: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی کوثر.
- تهرانی، آقابزرگ (بی‌تا). الذریعه إلى تصانیف الشیعه. ج ۳. تهران: انتشارات اسلامی.
- چروئی، انریکو (۱۳۶۸). فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی مضبوط در کتابخانه واتیکان. ترجمه جابر عناصری. چ ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی گسترش هنر.
- راجی کرمانی، ملا بمانعلی (۱۳۹۵). حمائ حیدری. تصحیح نجمه حسینی سروری (و همکاران). ج ۱. چ ۳. کرمان: انتشارات دانشگاه باهنر کرمان.
- رجاء زفره‌ای، محمدعلی (بی‌تا). مجالس تعزیه. به کوشش محمدحسن رجاء زفره‌ای، نسخه خطی فاقد شماره. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دهقانیان نصرآبادی، کاظم (۱۳۹۲). نسخه‌های خطی تعزیه در شهرستان تفت. مجمع ذخائر اسلامی. دفتر اول.
- شاکر تفرشی، میرزا بابا نایب (۱۲۹۳). مجلس شست‌بستن دیو. نسخه خطی به شماره ۲۰۲۴۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فارغ‌گیلانی (بی‌تا). فارغ‌نامه. نسخه خطی به شماره ۷۵۶۵/۵ در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). شاهنامه. ج ۱ و ۲. تهران: قطره.
- معین‌البکا، میرزا باقر (۱۲۹۴). مجلس شست‌بستن دیو. نسخه خطی شماره ۲۰۲۴۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

Comparative Analysis of Structure and Content of Six Versified Narratives: The Case Study of “Shast –Bastan-e Div”

Moslem Nād Ali Zādeh ^{*1} Mehdi Mohammadi ²

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature – Ahl al –Bayt International University.
2. Assistant Professor of History of Islam- Ahl al –Bayt International University.

Received: 15/01/2019

Accepted: 03/07/2019

Abstract

The combination of ancient Iranian cultural elements and Islamic beliefs has had different effects on the history of Iranian civilization. The convergence between Iranian themes and Islamic concepts and the efflorescence of the Islamic worldview have created a new style of Islamic- Iranian products that convey both an ancient culture and meet the goals of Islam. One of these productions is the history of “Shast – Bastan-e Div” which has been predominant in religious rituals, especially in the Ta'zīya ceremony. In this story, the eclecticism of the ancient evil concept "Demon" is clearly seen in conjunction with the history of Islamic hero; *Imam Ali* (AS). To this end, the writers of these narratives aim either to highlight the virtue and superiority of Imam –Ali in comparison with other *ṣaḥābah* or present the notion of evil in Iranian and Islamic culture as crystalized in texts. The texts of this story are related to less than 500 years and the earliest known source goes back to the 9th century. In this research and by comparing six narratives of these collections, the authors have tried to describe the points of divergence and convergence of these texts at content and structural levels.

Keywords: “Shast –Bastan-e Div”; Shiite literature; Religious Manzumah; Folk literature; Religious myths; Ta'zīya.

*Corresponding Author's E-mail: nadalizadeh@abu.ac.ir

